

مبانی مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق انگلستان و ایران

احمد دیلمی^۱، ناهید زند لشنی^{۲*}، علی جوادیه^۳

۱. دانشیار حقوق خصوصی و اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷)

Principles of Liability Arising from Non-Action in British and Iranian Law

Ahmad Deylami¹, Nahid Zand Lashani^{2*}, Ali Javadieh

1. Associate Professor in Private and Islamic Law, Qom University, Qom, Iran

2. Ph.D. Student in Private Law, Qom University, Qom, Iran

3. Ph.D. Student in Private Law, Qom University, Qom, Iran

(Received: 14/Nov/2019

Accepted: 25/Feb/2021)

Abstract

The basis of civil liability is one of the most important theoretical issues in this branch of law; and is the answer to why the defendant needs to be compensated. To identify the basis of vicarious liability, jurists have cited different criteria. But none of them are without flaws. In all these theories, the exceptional responsibility of representation is evident. In this paper, by descriptive, analytical and comparative methods, it was concluded that: First, vicarious liability is not an exception to the principle of personal responsibility; Second, the distinguishing feature of this liability with other types of liability for material operations leading to loss by others. It also seems that the legislature has assigned a degree of responsibility and according to the way in which a person interferes in the process leading to the loss, in the case where the compensator has the right to refer to others and in the case where he has no right to refer, distinguishes. Has been. In the first case, in both Iranian and British law, the basis for liability is to protect the victim and to provide assistance and assistance to the victim and not to confront the victim with weak individuals who are under the control or supervision of another. And since breach of duty is not the sole cause of the loss, it only puts the person in charge alongside the main culprit. In cases where there is no right of recourse for the compensator, the basis of civil liability is the Customary Imputability, which causes him to be harmed by others.

Keywords: Vicarious Liability, Basis of Civil Liability, Control and Supervision, Fault, Customary Imputability.

چکیده

مبانی مسئولیت مدنی یکی از مباحث مهم نظری این شاخه از حقوق است؛ و پاسخی است که به چرایی لزوم جبران خسارت توسط خوانده داده می‌شود. جهت شناسایی مبانی مسئولیت نیابتی، حقوق‌دانان معیارهای متفاوتی را ذکر کرده‌اند؛ لکن هیچ‌یک از آنها خالی از اشکال نیست. در همه این نظریات استثنایی بودن مسئولیت نیابتی به چشم می‌خورد. در این نوشتار با روش توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای این نتیجه حاصل آمد که: اولاً مسئولیت نیابتی استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت نیست؛ ثانیاً، وجه تمایز این مسئولیت با سایر انواع مسئولیت ارتکاب عملیات مادی منجر به ورود زیان، توسط غیر است. همچنین به نظر می‌رسد مقنن برای مسئولیت درجانی قائل شده است و با توجه به نحوه دخالت شخص در فرایند منجر به ورود زیان، در حالتی که جبران کننده پس از جبران حق رجوع به غیر را دارد و در حالتی که حق مراجعه ندارد، قائل به تفکیک شده است. در حالت اول، هم در حقوق ایران و هم انگلیس مبانی مسئولیت حمایت از زیان‌دیده و مواسات و یاری رساندن به عامل زیان و مواجه نکردن زیان‌دیده با اشخاص ضعیفی است که تحت کنترل یا نظارت دیگری هستند. و چون نقض وظیفه علت تامه ورود زیان نیست، فقط در این حد شخص را در کنار عامل اصلی، مسئول قرار می‌دهد. در مواردی هم که برای جبران کننده حق مراجعه وجود ندارد، مبانی مسئولیت مدنی قابلیت استناد عرفی است که وی را مسبب زیان وارده توسط غیر، قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت نیابتی، مبانی مسئولیت مدنی، کنترل و نظارت، تقصیر، قابلیت استناد عرفی.

*Corresponding Author: Nahid Zand Lashani

E-mail: nahidzand709@yahoo.com

مقدمه

قاعده کلی این است که یک فعل زیان‌بار باعث مسئولیت شخصی عامل آن می‌شود (سبحانی و دیگری، ۱۳۹۶: ۷۴)؛ بنابراین هر شخص مسئول خطاهایی است که یا خود مرتکب می‌شود یا دستور ارتکاب آن‌ها را می‌دهد یا وسایل آن را فراهم می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۵۳۴). این قاعده با عنوان اصل شخصی بودن مسئولیت شناخته می‌شود و امروزه تقریباً با مضامین مشابهی در تمامی سیستم‌های حقوقی از جمله حقوق انگلیس وجود دارد. در نظام حقوقی ایران مواد ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، دلالت بر مسئولیت ناشی از عمل شخص دارند. از طرفی نیازهای جوامع بشری اقتضا دارد که شخص بنا بر مصالحی مسئول اعمال دیگران قرار بگیرد. این مسئولیت حالت استثنایی داشته و محدود به موارد مصرح در قانون است. دکتر کاتوزیان این دسته از مسئولیت‌ها را به دلیل اینکه در آن‌ها انتساب ضرر به مسئول، با واسطه یا مفروض است، مسئولیت‌های خاص و مختلط (همان: ۵۳۲) و گروهی دیگر آن را مسئولیت قانونی نام نهاده‌اند (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۲۶۳). به نظر می‌رسد نام‌گذاری این نوع مسئولیت به مسئولیت ناشی از فعل غیر به دلیل ارتکاب عمل مادی منجر به ضرر از سوی غیر است؛ درحالی‌که مسئول جبران زیان، فرد دیگری غیر از عامل زیان است و نباید این توهّم ایجاد شود که چون عمل مادی ناشی از فعل غیر است پس این چهره از مسئولیت استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت است. درواقع مبنای مسئولیت پاسخ به چرایی مسئولیت است. شخصی که در عمل مادی منجر به ورود زیان دخالت نداشته چگونه و با چه مبنایی می‌تواند مسئول جبران خسارت قرار بگیرد و همین نحوه دخالت در فرآیند منجر به ورود زیان موجب نام‌گذاری‌های متفاوت شده است. حقوق‌دان‌ها تئوری‌های مختلفی را برای مبنای مسئولیت نیابتی مثل تئوری نمایندگی، خطر، جانشینی، تقصیر و ...^۱ ارائه داده‌اند که هر کدام از این‌ها یک یا چند مصداق از این نوع مسئولیت و نه تمامی آن‌ها را پوشش می‌دهد. چیزی که در تئوری‌های مزبور مورد غفلت قرار گرفته، عدم توجه به این نکته است که باید بین حالت مراجعه و عدم مراجعه جبران‌کننده زیان وارده توسط دیگری تفکیک قائل شد. این بی‌توجهی خود موجب عدم جامعیت تئوری‌های مربوطه است درحالی‌که تمام مصداق

مسئولیت ناشی از فعل غیر خارج از این دو وجه نمی‌باشد. سؤال تحقیق این است که چرا مقنن بین دو حالت فرق گذاشته است؟ در موردی شخص را در کنار مسئول اصلی و در حالتی که حق رجوع ندارد مسئول نهایی ضرر وارده قرار داده است. سؤال دیگر آن است که آیا می‌توان درجاتی برای تقصیر در خصوص این نوع مسئولیت قائل شد؟ تأثیر نقشی که نقض وظیفه مسئول فعل غیر دارد، در نوع مسئولیت ایجاد شده به چه صورت خواهد بود؟

در راستای پاسخ به سؤالات مذکور، نوشتار حاضر در چهار بخش کلی تنظیم شده است. در بخش نخست مفهوم قاعده در مسئولیت ناشی از فعل غیر بررسی شده است. در بخش بعدی تئوری‌های موجود در خصوص این نوع مسئولیت و در دو بخش آخر انواع و مبانی مسئولیت نیابتی مطرح شده است.

مفهوم قاعده انگاری مسئولیت ناشی از فعل غیر

دانستیم که مسئولیت ناشی از فعل غیر برخلاف نظر عده‌ای از حقوق‌دانان به‌عنوان استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت نیست؛ بنابراین نیاز نیست پایبند به مصادیق ذکر شده که در قوانین آمده باشیم؛ زیرا که دانستیم مسئولیت نیابتی موجب مسئولیت می‌باشد؛ بنابراین این نوع نیز قاعده‌ای دارد که دارای مفهوم منحصر به خود می‌باشد. همان‌طور که گفته‌اند، مفهوم قاعده کلی مسئولیت ناشی از فعل غیر که در رأی به لیک^۲ ۱۹۹۱ (Le Tourneau, 2006: 462) در فرانسه مطرح شده، این است که هر جا حقوق به شخص اقتدار می‌دهد تا از دیگری مراقبت کند یا فعالیت وی را هدایت و کنترل نماید، مسئول خساراتی است که از فعل شخص تحت مراقبت یا کنترل وارد شده است، حتی اگر در قانون به‌عنوان مصداق ذکر نشده باشد؛ بنابراین منظور از قاعده این نیست که بدون ضابطه بتوان مسئولیت فعل خطایی شخصی را بر دیگری تحمیل نمود؛ بلکه این امر بدیهی است که وقتی شخصی اقتدار بر مواظبت و مراقبت دیگری دارد و یا حق کنترل فعالیت دیگری را داشته باشد، باید مسئولیت اعمال شخص تحت کنترل را نیز داشته باشد (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۱۲). در حقوق ایران گرچه مصادیقی از مسئولیت ناشی از عمل غیر مانند مسئولیت سرپرستان نسبت به اعمال اشخاص تحت سرپرستی و یا

۲. تا پیش از این رأی غیر از موارد استثنایی، مسئولیت ناشی از فعل غیر، قابل‌تصور نبود (محسنی و دیگری، ۱۳۸۹: ۳۰۱)

۱. به این نظریه‌ها در ادامه اشاره خواهد شد.

مبتنی بر تقصیر بررسی می‌گردد (خادم رضوی و دیگری، ۱۳۹۳: ۴). تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی عبارت است از سوء رفتاری که عمداً یا از روی بی‌احتیاطی^۱ ارتکاب یافته و نقض یک تکلیف حقوقی را در پی دارد (همان: ۳). پس تقصیر اعم از بی‌احتیاطی است.^۲ ماده ۹۵۳ قانون مدنی ایران تقصیر را به معنای تعدی و تفریط دانسته است به‌گونه‌ای که هم فعل و هم ترک فعل را در برمی‌گیرد. به‌موجب این نظریه در مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، این مسئول است که با تقصیر در وظیفه خویش سبب بروز خسارت از ناحیه غیر قرار می‌شود و ملزم به جبران خسارتی می‌شود که خود وی سبب اصلی آن بوده است؛ بنابراین تئوری فوق بر تقصیر شخص استوار است و می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد: مسئولیت نیابتی مبتنی بر تقصیر و مسئولیت نیابتی مبتنی بر تقصیر مفروض. مسئولیت مبتنی بر تقصیر در جایی است که شخص مسئول وظیفه نگهداری و مراقبت از غیر را بر عهده داشته و در انجام این وظیفه کوتاهی نموده باشد؛ بنابراین وی مسئول تقصیر خویش بوده و مسئولیت فوق یک مسئولیت شخصی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۵۴). تئوری تقصیر مفروض عمدتاً در مسئولیت کارفرما نسبت به عمل کارگر مطرح می‌گردد (هاشمی، ۱۳۹۵: ۸۶). در واقع حقوق دانان فرض تقصیر برای کارفرما را مبتنی بر مصالحی می‌دانند. از طرفی مقنن با فرض تقصیر، خواسته کسانی را که در نتیجه فعالیت کارخانه‌ها زیان می‌بینند، در مقام جبران خسارت با کارگران و کارمندان روبرو نسازد و بدین ترتیب زبانی را جبران نشده باقی نگذارد. از طرف دیگر از آنجایی که اداره کارگاه به عهده کارفرما است، وی باید کار را به شخص مناسب بسپارد و بر کلیه فعالیت‌های وی نیز نظارت داشته (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۳۴). در این باره نیز برخی معتقدند بروز خسارت از جانب کارگر نشان دهنده این واقعیت است که کارفرما در انجام وظیفه نظارتی و مراقبتی و انتخاب کارگر خویش دچار تقصیر شده؛ پس وی مسئول خسارت‌های وارده از جانب وی می‌باشد (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۵۷)؛ بنابراین برای کارفرما مبنای فرض تقصیر در نظر گرفته شده و او تنها در صورتی می‌تواند از مسئولیت معاف شود که ثابت نماید تمام احتیاط‌هایی را که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به عمل آورده (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۳۴) و یا ثابت کند حتی در

مسئولیت کارفرمایان نسبت به اعمال کارگران خویش وجود دارد؛ لکن قاعده کلی در این زمینه وجود ندارد. در این نوشتار با بررسی مبانی این نوع مسئولیت و درواقع کشف چرایی آن می‌توان معتقد بود که مسئولیت ناشی از فعل غیر در هر رابطه‌ای که این مبنا وجود داشته باشد می‌تواند جاری شود. در نتیجه می‌توان گفت که مسئولیت ناشی از فعل غیر نه تنها استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت نیست، بلکه مصادیق آن منحصر به موارد قانونی نیست و قابلیت گسترش به هر نوع رابطه مراقبتی و کنترلی را دارد.

تئوری‌های مربوط به مبانی مسئولیت نیابتی

منظور از مبانی دلایل حقوقی است که اجرای مسئولیت مدنی را توجیه می‌کند (ژوردن، ۱۳۸۵: ۵۶). مبانی مسئولیت مدنی یکی از مباحث مهم نظری این شاخه از حقوق است که قاعده حقوقی لزوم جبران خسارت زیان‌دیده را تبیین می‌نماید. بدین شرح که وقتی اساس مسئولیت مدنی را به‌عنوان یک قاعده معرفی کرده و می‌گوییم واردکننده زیان متعهد به پرداخت خسارت است این سؤال طرح می‌شود که دلیل مشروعیت قاعده چیست و چرا وی مکلف به پرداخت خسارت است. پاسخ به این سؤال‌ها به دلیل مشروعیت مسئولیت مدنی بازگشته که از آن به مبنای مسئولیت مدنی تعبیر می‌شود (باوری، ۱۳۸۹: ۳۳). با شناخت مبانی مسئولیت مدنی می‌توان ساختار نظام‌مندی از ارکان، شرایط و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی ترسیم کرد و با توجه به مبانی احکام موضوعات جدید را بنا کرد. به‌خاطر نقض کلیدی مبانی، غالباً این نظریه‌ها را به همان نام می‌خوانند؛ مثلاً در یک دیدگاه مبنای مسئولیت تقصیر واردکننده زیان است و به همین خاطر نظریه پی‌ریزی شده بر این اساس را نیز نظریه تقصیر می‌نامند (همان: ۴۳)؛ بنابراین در ارتباط با مسئولیت ناشی از فعل غیر مبانی مختلفی ارائه گردیده است که در زیر به آن‌ها پرداخته و ایرادات آن‌ها را نیز مطرح می‌نماییم.

۱. تئوری تقصیر

تئوری تقصیر و یا تقصیر مفروض قدیمی‌ترین مبنایی است که برای مسئولیت ناشی از فعل غیر عنوان شده است. این مبنا مولود حقوق رم بوده و پس از آن وارد حقوق فرانسه شده است (بهرامی‌احمدی، ۱۳۹۰: ۶۰). در حقوق انگلستان مسئولیتی که از عمد و بی‌احتیاطی ناشی شده باشد، تحت عنوان مسئولیت

1. Negligence

۲. تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بیانگر این مفهوم است.

نسبت به اعمال و رفتار کارکنان مسئولیت نیابتی دارد. برای مثال در پرونده کسیدی علیه وزارت بهداشت که در آن صدمه‌ای به وسیله غفلت حاصل از عملکرد کارکنان حرفه‌ای بیمارستان به مصدومی وارد شده بود، دادگاه حکم داد که بیمارستان مسئولیت نیابتی دارد گرچه پزشک یا پرستار مقصر باشند (Cassidy case, 1951).

در حقوق اسلامی در اصل هیچ‌گونه دعوی علیه سرپرست صغیر و مجنون پذیرفته نیست؛ چراکه در این نظام حقوقی ضمان خود صغیر و مجنون در هنگام ایراد خسارت به رسمیت شناخته شده است (پرون، ۱۳۹۷: ۳۲۳). طبق این مبنا پدر تنها زمانی مسئول است که خسارت در نتیجه امر وی به فرزند یا در نتیجه اجبار کردن فرزند در ورود خسارت محقق شود که از باب سبب اقوی از مباشر رابطه سببیت بین عمل پدر و خسارت وجود دارد. در حقوق ایران نیز مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی یا قراردادی محجورین مبتنی بر تقصیر است که باید اثبات شود؛ طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، کسی که به حکم قانون یا قرارداد، نگاهداری و مواظبت صغیر و مجنون را به عهده دارد، چنانچه مرتکب تقصیر شود و در انجام وظیفه خود کوتاهی کند، مسئول شناخته می‌شود. به نظر حقوق دانان مسئولیت سرپرستان صغیر و مجنون که در نگاهداری و مواظبت وی تقصیر کرده‌اند، مطابق قاعده مسئولیت شخصی است؛ زیرا در عرف رابطه سببیت بین تقصیر مجنون و صغیر در عدم مواظبت و نگاهداری آنان با زیان وارده، قوی‌تر از اقدام خود مباشر است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۱۷). نکته مهم در خصوص مفهوم نگاهداری و مواظبت که در ماده ۷ قانون فوق‌الذکر آمده این است که بنا بر نظر عده‌ای، مواظبت، به سرپرستی معنوی و هدایت کودک و تعلیم و تربیت وی گفته می‌شود (همان: ۵۵۸) و از این‌رو نگاهداری شامل تربیت طفل هم می‌شود. در ضمن کودکی که درست تربیت نشده باشد، در نگاهداری و مواظبت او کوتاهی صورت گرفته و اگر به دیگران خسارت وارد کند، سرپرست به دلیل تقصیر در نگاهداری مسئول است (صفایی و دیگری، ۱۳۹۵: ۲۴۱). به نظر می‌رسد هرچند که از لحاظ نظری می‌توان این امر را پذیرفت؛ ولی در عمل اثبات تقصیر سرپرست در مورد تربیت فرزند دشوار است و به سختی می‌توان رابطه سببیت بین نقص تربیت و زیان وارده را اثبات کرد؛ مگر اینکه در رویه قضایی آن را مفروض بدانیم که در این صورت وی تنها با اثبات انجام مراقبت و نظارت کامل بر رفتار فرزند معاف می‌شود؛ بنابراین در وضعیت فعلی مسئولیت سرپرستان صغار در حقوق ایران بر مبنای تقصیر

فرض انجام احتیاط نیز جلوگیری از ورود زیان مقدور نبوده (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۵۷). پس طبق ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، در مبنای فرض تقصیر، با اثبات رعایت تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، کارفرما از مسئولیت مبرا می‌گردد؛ در حالی که اثبات رعایت احتیاط در محیط خطرناک اثری نداشته و تنها نشان می‌دهد که کارفرما تقصیری نکرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۶۵).

مصلح در نظر گرفته شده در مبنای فرض تقصیر، قابل ایراد است؛ چون ممکن است در مواردی کارفرما همیشه در انتخاب کارگر خویش اختیار نداشته و در بسیاری موارد قانون و سایر مقررات کارگر را به او تحمیل می‌نماید. یا اینکه ممکن است نظارت و مواظبت بر کار وی همیشه برای کارفرما مقدور نباشد. مثلاً کارفرمای یک شرکت حمل‌ونقل در ساعاتی که کارگر راننده کامیون وی در جاده‌های خارج شهر به سر می‌برد چه نظارتی می‌تواند بر کار وی داشته باشد (کیانی، ۱۳۸۹: ۸۲ و ۸۳). از طرفی اگر مسئولیت کارفرما را ناشی از عمل خود او بدانیم، رجوع او به کارگر قاعدتاً باید منتفی باشد. در صورتی که نه در حقوق ایران و نه انگلیس چنین حکمی جاری نیست و طبق قاعده کارفرما حق رجوع به کارگر را دارد. ذیل ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی نیز چنین امری را تأیید می‌نماید (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۶۰). به نظر در پاسخ به این انتقادات می‌توان گفت، مقنن این‌گونه در نظر داشته که شخص کارفرما باید کارگر را به‌گونه‌ای انتخاب کند که از نحوه دستکاری او در انجام وظایفش اطمینان داشته باشد و به عبارتی او خسارتی را جبران کند که ممکن است ناشی از بی‌احتیاطی او در انتخاب یک کارگر وظیفه‌شناس باشد و این مسئولیت نافی مسئولیت کارگر در برابر کارفرما نمی‌باشد. به همین دلیل است که آن را نیابتی نام نهاده‌اند. به‌هرحال اگر قرار بر انتخاب بین این دو نظریه باشد، در نظام حقوقی ما بسیار بعید می‌نماید که مبنای مسئولیت کارفرما تقصیر باشد؛ چراکه اگر علت تقصیر یکی از این امور بود کارفرما می‌توانست با اثبات اینکه تقصیری نکرده مسئولیت را از دوش خود بردارد. در صورتی که چنین نیست. پس در سیستم‌های حقوقی ایران و انگلیس پذیرش تئوری فرض تقصیر با توجه به مواد قانونی منطقی‌تر است؛ زیرا که زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر کارفرما ندارد. در رویه قضایی انگلیس نیز مواردی یافت می‌شود که بر اساس ضابطه کنترل، کارفرما

۱. تقصیر در انتخاب کارگر یا تقصیر در مراقبت یا تهیه وسایل مناسب کار.

نیازمند اثبات است.

۲. تئوری خطر

این تئوری که بیشتر به عنوان مبنای مسئولیت کارفرما مطرح می‌شود، بدین معناست که کارفرما و به طور کلی متبوع با ایجاد محیطی خطرناک و بردن سود از چنین فعالیتی ملزم به جبران خسارت‌های ناشی از آن می‌باشد (بابایی، ۱۳۸۰: ۲۰). در توجیه مبنای مسئولیت‌های مبتنی بر خطر نظریات مختلفی ارائه شده است. عده‌ای معتقدند مسئولیت باید به عهده کسی باشد که از فعالیتی سود می‌برد و این مسئولیت عوض منفعت است (همان: ۲۰). البته می‌توان از زاویه‌ای دیگر مسئولیت را به عهده کسی دانست که ایجاد خطر کرده است؛ زیرا او از همه بهتر می‌تواند جلوی تحقق خطر را بگیرد.

برخی مسئولیت را به عنوان تاوان قدرت و اختیار و کنترلی می‌دانند که شخص بر اشیا یا اشخاص دیگر دارد و گروهی بر این سخن‌اند که مسئول کسی است که توانایی مالی بیشتر دارد (ژوردن، ۱۳۸۵: ۵۹-۵۸). مطابق این نظریه مبنای مسئولیت، خطر ایجادشده توسط کارفرما نیست؛ بلکه خطر ایجاد شده در اینجا به فعالیت واداشتن دیگران است (احمدوند، ۱۳۸۴: ۷). این نظریه دارای دو چهره است: ۱. خطر مطلق ۲. خطر در برابر نفع.

نظریه خطر مطلق امروزه طرفداری ندارد؛ زیرا اگر کارفرما به دلیل توسعه فعالیت خود و داشتن کارگران متعدد در قبال خطرات ناشی از فعالیت آنان مسئولیت داشته باشد، پس از جبران خسارت شخص ثالث نباید حق مراجعه به کارگران خود را داشته باشد درحالی‌که چنین نیست و در صورت بروز تقصیر از ناحیه کارگر، حق مراجعه برای کارفرما باقی است (همان: ۸). طرفداران نظریه خطر در برابر منفعت معتقدند، کارفرما به دلیل سود بردن از کار کارگر موظف به تحمل مسئولیت عمل وی می‌باشد که این نظریه، با قاعده: من له الغنم فعلیه الغرم سازگار است (همان: ۸). به نظر می‌رسد این نظریه نمی‌تواند مبنای مسئولیت کارفرما باشد؛ زیرا اگر چنین بود، اثبات بی‌تقصیری کارفرما، نباید وی را از مسئولیت معاف می‌کرد. درحالی‌که بند دوم ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی بیان می‌کند: ... مگر اینکه محرز شود، تمام احتیاط‌های مزبور را به عمل آورده است. تئوری مذکور^۱ به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی قراردادی نیز مطرح شده است. در این حالت مدیون باید زیان ناشی از عمل کسانی را که به‌صورت اختیاری آنان را برای اجرای تعهد

در حقوق انگلستان اگرچه مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان‌آور فرزندانشان، مسئولیتی مبتنی بر تقصیر و نیازمند اثبات بوده و معمولاً زیان‌دیده موفق به اثبات مسئولیت والدین نمی‌شود؛ اما جالب است که در موارد متعددی دادگاه‌های این کشور به مسئولیت معلمان و مسئولان مدارس در خصوص اعمال زیان‌بار صغیر که در زمان حضور در مدرسه ارتکاب یافته باشد، رأی داده‌اند و مسئولیت سرپرستان قراردادی کودکان در حقوق این کشور برخلاف مسئولیت والدین بر مبنای مسئولیت ناشی از فعل غیراستوار شده است. دادگاه‌های انگلستان تنها در موارد خاصی حکم به مسئولیت والدین برای جبران خسارت ناشی از اعمال زیان‌بار فرزندان صادر می‌کنند؛ مانند موردی که والدین کودک به او اجازه ارتکاب آن عمل زیان‌بار را داده‌اند و یا او را به انجام آن عمل امر کرده‌اند (Giliker, 2010: 210 - 204). در حقوق انگلیس دارندگان وسایل نقلیه و یا استفاده‌کنندگان آن‌ها با توجه به تکلیف مراقبتی که بر عهده دارند، نسبت به خسارت وارده به دیگران مسئول می‌باشند (Harpwood, 2003:207). در حقوق این کشور اگرچه مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی مبتنی بر تقصیر می‌باشد؛ اما این ظاهر صوری است و مسئولیت دارنده بیشتر به مسئولیت محض نزدیک است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۹۱). به‌طوری‌که در این مسئولیت اثبات تقصیر شخص مسئول نیز لازم نیست (نظری، ۱۳۸۹: ۷۹). در سیستم کامن‌لا، معمولاً مالک وسیله نقلیه را مسئول جبران خسارت می‌دانند با این عقیده که وی بهتر از راننده قدرت جبران خسارت را دارد؛ بنابراین زمانی که مالک وسیله را به شخص فاقد صلاحیتی سپرده به جهت غفلتی که کرده باید خسارت را جبران کند و هرگاه با رعایت احتیاط اتومبیل را به دیگری سپرده باشد مسئولیت او بر مبنای مسئولیت ناشی از عمل غیر توجیه می‌شود (همان: ۸۷). در نتیجه در حقوق انگلیس در مسئولیت نیابتی در حقوق انگلیس در مقابل زیان‌دیده دو مسئول وجود دارد؛ یکی شخصی که برحسب قانون یا قرارداد مسئول فعل غیر قرار می‌گیرد و دیگری، غیر که با فعل زیان‌بار خویش مدیون اصلی به حساب می‌آید و زیان‌دیده در رجوع به هر یک از این اشخاص به‌طور مستقل و یا به هر دو مخیر است و می‌تواند علیه هر دو به‌صورت جداگانه و یا هم‌زمان طرح دعوا کند و عدم موفقیت در جبران خسارت علیه یکی از آن‌ها مانع ادامه دعوا علیه دیگری نمی‌شود (Casals, 2006: 164).

۱. خطر در برابر منفعت.

خویش گمارده است، متحمل شود (ژوردن، ۱۳۸۵: ۵۹).
 در حقوق انگلیس برای مسئولیت نیابتی کارفرما سه ضابطه بیان شده است (Markensinis & other, 2019a: 496) ضابطه کنترل که مطابق آن کارفرما چون نسبت به اعمال کارگر در محیط کار اشراف دارد و علاوه بر آن دارای حق نظارت و کنترل بر کارگر است، در صورت عدم کنترل کارگر در مقابل اعمال زیان بار وی مسئول خواهد بود. (ب) ضابطه غنی تر بودن کارفرما که بر اساس آن کارفرما غنی تر است و برای اینکه هدف در مسئولیت مدنی جبران کامل خسارت است، عدالت اقتضا می کند وی خسارت را پرداخت کند. (ج) ضابطه نفع اقتصادی.
 ایراد این ضوابط آن است که در بسیاری از مواقع خطری که ایجاد شده محصول طبیعی یک فعالیت مشروع می باشد. پس چگونه می توان شخصی را برای یک فعالیت مشروع مسئول دانست؟ به بیانی اگر مبنای مسئولیت متبوع را تئوری خطر بدانیم دیگر شرط ارتکاب تقصیر از سوی تابع برای تحقق چنین مسئولیتی بی مورد خواهد بود؛ بنابراین هر فعالیتی که از جانب کارگر به ثالث ضرری وارد آورد، خواه مبتنی بر تقصیر باشد یا غیر آن، به استناد تئوری خطر باید برای کارفرما ایجاد مسئولیت کند (کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹)، در صورتی که در شرایط تحقق مسئولیت متبوع دیدیم که ارتکاب تقصیر از سوی تابع ضروری است.

همین خاطر است که زیان دیده می تواند به متبوع مراجعه نماید و از او جبران خسارت بخواهد.
 ایراد این نظریه آن است که اگر واقعاً غیر، نماینده مسئول است، چرا مسئول پس از جبران خسارت می تواند به وی مراجعه نماید؛ در صورتی که اصولاً نماینده به جانشینی و به حساب شخص عمل کرده و شخص نمی تواند به نماینده خویش مراجعه کند (قربانی، ۱۳۹۲: ۵۲). در پاسخ حقوق دان ها معتقدند این نمایندگی تنها در مقابل ثالث زیان دیده اثر دارد و در روابط میان تابع و متبوع وجود ندارد و به همین خاطر پس از جبران خسارت متبوع می تواند به تابع مراجعه نماید؛ چون در غیر این صورت اگر جانشینی کامل را بپذیریم، حق رجوع وی به تابع منتفی است. از طرفی گفته اند، نمایندگی قانونی نیازمند تصریح مقنن است و در صورت فقدان چنین تصریحی استناد به نمایندگی غیرممکن است (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۵۸). ایراد دیگری که می توان وارد ساخت این است که چنانچه کارفرما جانشین کارگر باشد، تقصیر سنگین برای کارفرما محسوب می شود و چون طبق قوانین بیمه شخص حق ندارد خود را در قبال تقصیرات سنگین بیمه کند، پس نباید بیمه کارگر در برابر تقصیر سنگین پذیرفته شود در حالی که چنین نیست. از طرفی خطا، امری شخصی است و قابلیت نمایندگی ندارد و این نظریه با مفهومی که نمایندگی در اعمال حقوقی دارد، مغایرت دارد.

۴. تئوری تضمین حق
 در این نظریه، برخلاف نظریات پیشین، به جای توجه به فاعل زیان رسان، به منافع از دست رفته توجه شده است. بر اساس این نظریه هر کس از حقوق خود تجاوز نماید و سبب از بین رفتن حق دیگری شود، مسئول جبران شناخته خواهد شد (بهنام، ۱۳۸۵: ۱۶). پس هر کس همان گونه که حق برخورداری از زندگی و تمامیت جسمانی را در یک جامعه دارد و کسی نمی تواند به این حق او لطمه وارد کند به همین صورت حق تمامیت مادی اموال متعلق به خودش را نیز دارا می باشد. این حق نیز توسط قانون تضمین شده است و ضمانت اجرای صدمه و ورود ضرر به چنین حق تضمین شده ای همان مسئولیت مدنی است (قربانی، ۱۳۹۲: ۳۷). این تئوری در مسئولیت های ناشی از فعل غیر به جای اینکه به تحقیق در مورد تقصیر یا عدم تقصیر مسئول در بروز خسارت از جانب غیر بپردازد، شخص را فقط به این علت که به حق قانونی زیان دیده در برخورداری از زندگی در یک جامعه ایمن لطمه وارد کرده است، مسئول می داند. مطابق با این مبنا، مسئولیت کارفرما بر مبنای ضمانت

۳. تئوری نمایندگی

طبق این نظریه در روابط میان تابع و متبوع، تابع نماینده (قانونی یا قراردادی) متبوع است. همان گونه که نماینده در تصرفات حقوقی که در محدوده نمایندگی انجام می دهد اصیل را متعهد می سازد (همان: ۷۰-۶۹)؛ به همین ترتیب تابع در قبال اعمال مادی که در محدوده تبعیت انجام می دهد متبوع را متعهد می سازد. تئوری مورد بحث بیشتر در مورد مسئولیت کارفرما نسبت به عمل کارگر و مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر به چشم می خورد. به این مفهوم که کارگر به خاطر تبعیتی که از کارفرما دارد نماینده او محسوب می شود و تقصیر او در حین انجام وظیفه یا به سبب آن تقصیر خود کارفرما به حساب می آید. در اینجا غیر با اجرای قرارداد به جای متعهد و عمل کردن به حساب او از وی نمایندگی کرده و بنابراین تقصیر او نیز تقصیر متعهد محسوب می شود (ژوردن، ۱۳۸۵: ۱۷۶)؛ بنابراین عمل نماینده شخص در واقع عمل خود شخص تلقی می شود؛ یعنی عمل تابع همان عمل متبوع بوده و به

حمل و نقل ختم نشده و در بسیاری از قراردادهای دیگر صریحاً یا ضمناً وجود دارد؛ مثلاً به عقیده برخی مربی ورزشی خصوصاً ورزش‌های خطرناک در قراردادی که می‌بندد به‌طور ضمنی ملزم به تعهد ایمنی هم می‌گردد؛ زیرا در این‌گونه ورزش‌ها جلوگیری از بروز حادثه تا حد زیادی در اختیار مربی است و وی در حفاظت و نگهداری از شاگردانش تعهد به نتیجه دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۹۱). همچنین ایشان معتقدند تعهد ایمنی را به‌گونه‌ای می‌توان در فقه نیز مشاهده نمود و در این رابطه به ضمان صانع اشاره می‌نمایند. بدین شرح که در مواردی که شاگرد صنعتگر یا هنرمندی هنگام ساختن یا تعمیر کالایی آن را از بین ببرد، بدون شک صنعتگر مسئول فعل شاگرد خود قرار می‌گیرد، زیرا تعهد ایمنی اگر صریحاً در این‌گونه قراردادها وجود نداشته باشد حتماً به‌طور ضمنی مطلوب طرفین می‌باشد (همان: ۴۴۰)؛ اما فقها مسئولیت صانع را نه از باب ضمانت و تعهد به مراقبت بلکه به‌خاطر عموم قاعده اتلاف می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۰: ۶۰۲). تعهد ایمنی در مسئولیت کارفرما بدین شرح است که کارفرما ایمنی ناشی از فعالیت کارگران را تضمین نموده و در واقع ضامن کارگر خویش در مقابل کسی است که وی به او خسارت وارد آورده است و به همین دلیل است که کارفرما می‌تواند به کارگر مراجعه نماید. به‌طور کلی می‌توان گفت در تمامی قراردادهایی که مباشرت متعهد شرط اجرای آن نمی‌باشد، متعهد می‌تواند اجرای قرارداد را به دیگری محول نماید؛ مثلاً کارفرما که اجرای قرارداد را به کارگران خویش می‌سپارد یا وکیل که برای انجام مورد وکالت کارگزاری استخدام می‌کند و یا صاحب تعمیرگاه که تعمیر اتومبیلی را به تعمیرکاری که کارگر وی می‌باشد یا پیمانکار دیگری واگذار می‌کند در تمامی این مصادیق و مصادیق مشابه متعهد اصلی مسئول اعمال کسانی است که در اجرای تعهد خویش به کار می‌گیرد. رابطه‌ای که متعهد را با این افراد پیوند می‌دهد اعم از این است که طرف قرارداد بدانند یا ندانند چه کسی قرارداد را انجام می‌دهد و در هر حال صرف عدم انجام قرارداد و بروز خسارت موجب بروز مسئولیت قراردادی ناشی از فعل غیر برای متعهد اصلی می‌شود.

انواع مسئولیت ناشی از فعل غیر

به نظر می‌رسد برای یافتن مبنای مورد انتخاب پس از طرح تئوری‌هایی که گفتیم، نخست باید انواع مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر را بیان کرد تا با توجه به آن بتوان مبنای منتخب را به دست آورد. در حقوق ایران به‌طور کلی مسئولیت ناشی از فعل

دانسته شده و وی ضامن کارگر تلقی می‌شود. اگر مبنای مسئولیت تضمین باشد، کارفرما باید از زیان‌دیده بخواهد که ابتدا به کارگر مراجعه کند و اگر جبران نشد، کارفرما زیان وی را جبران می‌کند. حال آنکه به کارفرما چنین اختیاری داده نشده و وی به‌محض تحقق شرایط مسئولیت ملزم به جبران خسارت می‌باشد (احمدوند، ۱۳۸۴: ۱۲). بر این اساس، هرچند ریسک فعالیت کارگاه و جبران خسارت ناشی از خطای کارگر نهایتاً بر دوش کارفرما قرار نمی‌گیرد، اما حداقل ریسک ناتوانی مالی کارگر و کارمند بر کارفرما، تحمیل خواهد شد و او می‌تواند با خرید بیمه مناسب، کارگاه و کارکنان را از تحمل این خطر به طرز معقولی نجات دهد (همان: ۱۲). در واقع برخلاف دو تئوری تقصیر و خطر که در پی پاسخ به این سؤال هستند که چرا مسئول باید خسارت را جبران نماید این تئوری از جانب زیان‌دیده به قضیه نگاه می‌کند و در پی تضمین حق امنیت وی می‌باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۸).

۵. تئوری تعهد ایمنی

این تئوری برای اولین بار توسط دیوان عالی کشور فرانسه در سال ۱۹۹۱ در مورد حمل و نقل مسافر توسط راه‌آهن مطرح شد (Delebeque, 1997: 1184). این پرونده در خصوص تکلیف سالم رساندن مسافر و ایراد صدمه به وی بود. در این خصوص بیان شد که صرف ورود صدمه بدنی به مسافر برای مسئول شناختن متصدی حمل و نقل کافی است و تنها با اثبات اینکه عامل خارجی غیر منتسب به متصدی سبب بروز خسارت شده، مسئولیت وی منتفی می‌گردد (صالحی راد، ۱۳۷۷: ۱۱۱). تعهد ایمنی پس از تثبیت در قرارداد حمل و نقل مسافر به قراردادهای بسیاری راه یافت و امروزه رویه قضایی فرانسه بدون هیچ تردیدی دارندگان هتل، رستوران، کافه و آرایشگاه نمایشگاه و پارکینگ را موظف به تعهد ایمنی می‌داند (ژوردن، ۱۳۸۶: ۱۶۱). تعهد ایمنی در خصوص تعهدات ناشی از قرارداد، چهره تعهد به نتیجه به خود گرفته و متعهد را در صورت عدم اجرای قرارداد در مقابل زیان‌دیده مسئول می‌داند؛ مثلاً در قراردادهای حمل و نقل متصدی باید عدم انجام تعهد را به حادثه خارجی نسبت دهد تا از اتهام عهدشکنی مصون بماند و فرقی نمی‌کند که چه کسی موظف به اجرای قرارداد بوده است؛ چراکه صرف بروز خسارت متصدی حمل و نقل را به‌خاطر عدم حصول تعهد ایمنی حفظ کالا مسئول قرار می‌دهد. خواه قرارداد توسط کارگران متصدی یا توسط متصدی دیگر اجرا شده باشد. مرحوم کاتوزیان بیان داشته‌اند: تعهد ایمنی تنها به قراردادهای

غیر در چهار حالت ممکن است تحقق یابد؛

- حالت نخست: زمانی که شخص وظیفه مراقبت از شخص دیگری را بر عهده دارد. در این حالت وی مسئول اعمال شخص تحت مراقبت خویش قرار می‌گیرد. چنانکه گفته‌اند در این موارد مسئولیت ناشی از عمل غیر بر مبنای ضعف جسمی و یا دماغی شخص تحت مراقبت است. در این موارد مسئولیت ناشی از عمل غیر ضمانت اجرای تکلیف به مراقبت است (بزدانیان، ۱۳۹۵: ۳۲). در این دسته می‌توان مسئولیت ناشی از فعل فرزند صغیر، مسئولیت سرپرست ناشی از فعل مجنون و مسئولیت معلم ناشی از فعل دانش‌آموز را قرار داد. در واقع این نوع مسئولیت به حکم قانون بر فرد مسئول بار می‌شود.

- وضعیت دوم: بر مبنای مشارکت در فعالیت دیگری است که به آن مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع می‌گویند. در این نوع، مسئولیت مدنی یک رابطه با ماهیت اقتصادی بین اشخاص وجود دارد که به یکی امکان می‌دهد از فعالیت دیگری بهره‌بردار شود. در واقع در این مورد بین دو نفر رابطه تابع و متبوعی وجود دارد و در صورتی که از فعل تابع خسارتی ایجاد شود، متبوع مسئول ناشی از فعل وی می‌باشد (همان: ۳۴).

- حالت سوم: متعهد در حالت سوم، قراردادی بر مبنای اقتداری که بر شخص ثالث دارد، اجرای تعهدات قراردادی خود را به وی سپرده و این شخص نقض تعهد می‌کند و از این نقض به متعهد له قرارداد خسارت وارد می‌شود (همان: ۳۵). به نظر می‌رسد می‌توان این نوع مسئولیت را در دسته دوم قرار داد؛ زیرا که هردوی این‌ها ناشی از قرارداد هستند.

- حالت آخر: در مورد مسئولیت شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان‌های اداره‌کننده است. در اینجا شخص حقوقی می‌تواند مسئول اعمال زبان‌بار ارگان اداره‌کننده خویش به شمار آید. (همان: ۳۶). به نظر می‌رسد این نوع آخر می‌تواند نوعی از مسئولیت قراردادی یا مصداقی از نوع دوم - مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع - به شمار آید. ولی به‌رحال این تقسیم‌بندی می‌تواند نظم دادن به انواع مسئولیت ناشی از فعل غیر را منسجم‌تر نماید. پس به‌طور کلی می‌توان گفت مسئولیتی که ناشی از فعل غیر است یا به حکم قانون یا به‌موجب قرارداد ایجاد می‌شود و منشأ آن چیزی غیر از این دو مورد نمی‌باشد. پس می‌بینیم که مسئولیت نیابتی در دو حالت که شخصی نسبت به دیگری وظیفه مراقبت یا کنترل دارد اعم از اینکه به‌موجب قانون باشد یا قرارداد مطرح می‌گردد. به نظر می‌رسد

تقسیم‌بندی حقوق انگلیس کامل‌تر و روشن‌تر باشد و آن بدین گونه است که در این نظام مسئولیت ناشی از فعل غیر در دو گروه قرار می‌گیرد: یکی مسئولیت والدین یا دیگر اشخاص برای خسارت وارده توسط کودکان یا اشخاص دیوانه تحت نظارت یا کنترل آن‌ها و دیگری مسئولیت مباشر و کارفرما به معنای وسیع کلمه (Hale Kennet, 2013: 13) در هر دو قسم بالا کسی که مسئول فعل غیر قرار گرفته است، پس از جبران خسارت یا حق رجوع به زیان داده را دارد یا حق رجوع به وی را ندارد که در ادامه هر دو فرض در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی مسئولیت نیابتی

در عناوین ذیل، مبانی این نوع از مسئولیت در فروض امکان رجوع به عامل زیان و حالت عدم امکان رجوع به وی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مبانی مسئولیت نیابتی در فرض امکان رجوع به

عامل زیان

در واقع مبانی مسئولیت در این حالت به‌خاطر نقض وظیفه مراقبتی و کنترلی است و این نقض وظیفه به‌تنهایی موجب زیان وارده نگردیده است و به همین دلیل است که پس از جبران خسارت برای جبران‌کننده حق مراجعه به عامل زیان وجود دارد. برای مثال در حقوق ایران ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی صریحاً پیش‌بینی نکرده است که آیا امکان رجوع سرپرست به محجور وجود دارد یا خیر. ولی ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی در مورد مسئولیت کارفرما نسبت به خسارتی که از طرف کارکنان اداری و کارگران به دیگران وارد می‌شود، در انتهای حکم اعلام می‌کند: کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید. از سوی دیگر طبق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی می‌دانیم که هرگاه صغیر یا مجنون به دیگری خسارت وارد کند خواه مباشر اتلاف باشند یا سبب ورود خسارت باشند، مسئول جبران خسارت هستند (هرگاه صغیر یا مجنون سبب آسیب به دیگری شوند ضامن هستند...) هرگاه پدر و مادر در نگهداری و مواظبت از فرزند خود تقصیر نکرده باشند، زیان باید از مال خود محجوران جبران شود. در واقع سرپرست مسئول خسارتی است که خودش وارد کرده است؛ بنابراین اگر سرپرست تقصیر نداشته باشد پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول واقعی

خواهان مسئول است و چون والدین وی مرتکب هیچ تقصیری نشدند از اموال کودک خسارت پرداخت می‌شود (جعفریان، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

مبنای مسئولیت کارفرما تضمین حقوق زیان دیده می‌باشد؛ اما با عنایت به قسمت آخر ماده ۱۲ ق.م.م، در صورتی که کارفرما بتواند اثبات کند احتیاط‌های لازم را در شغل خود به عمل آورده است، از مسئولیت معاف می‌شود. در این صورت زیان دیده نمی‌تواند از کارفرما جبران خسارت وارده به خود را مطالبه نماید؛ زیرا مسئولیت کارفرما ناشی از عمل غیر و برخلاف قاعده شخصی بودن مسئولیت است. لذا در این مورد باید به نص قانونی اکتفا شود؛ اما اگر کارفرما در انتخاب کارگران، مراقبت متعارف را نکرده باشد، مرتکب تقصیر شخصی شده است. در نظام حقوقی انگلیس نیز در این رابطه موارد متعددی وجود دارد. از جمله در خصوص دزدی و کلاهبرداری از سوی مستخدم (کارگر)، پرونده‌های زیادی در رويه قضایی انگلیس موجود است که در بادی امر به نظر می‌رسد مستخدم پا را از جریان امور شغلی خود فراتر گذاشته است، اما دادگاه‌های انگلیس در این موارد، کارفرما را مسئول جبران خسارت می‌دانند، نه به‌عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر، بلکه به دلیل مسئولیت ناشی از فعل خویش یعنی تقصیر در انتخاب دقیق کارگران (احمدوند، ۱۳۸۴: ۳۴). به نظر می‌رسد چنانکه گفتیم در این موارد به‌خاطر کنترل و نظارتی که کارفرما می‌بایست هم در انتخاب کارگران هم در انجام وظایف آن‌ها داشته باشد، مقنن تقصیر کارفرمایان را مفروض و این‌گونه آن‌ها را مسئول ناشی از فعل غیر قلمداد کرده است و چنانچه کارفرما ثابت کند تمام احتیاط‌ها را به عمل آورده است از مسئولیت بری می‌شود و زیان دیده حق مراجعه به وی را ندارد. پس چنانکه گفته‌اند: بدیهی است وقتی شخصی اقتدار و توان مواظبت و مراقبت از دیگری را دارد یا حق کنترل فعالیت دیگری را داشته باشد، باید مسئولیت اعمال شخص تحت کنترل را نیز تحمل کند که این امر نیز مؤید شخصی بودن مسئولیت است (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). در نتیجه به واسطه فعالیت در کارگاه، کارگر و کارمند در معرض روبه‌رو شدن با خساراتی هستند که نوعاً توان مالی جبران آن را ندارند. به همین دلیل کارفرما باید ضامن مالی آن‌ها در جبران این نوع خسارات باشد که در این صورت اصالت مسئولیت کارگر در قبال خطای خویش حفظ می‌شود و کارفرما می‌تواند پس از جبران خسارت به وی مراجعه نماید. در واقع کارگر مطابق قواعد حاکم بر اتلاف ممکن است خساراتی را وارد سازد و در

مراجعه کند و مبنای این مسئولیت چیزی جز حمایت از زیان دیده در برابر اشخاصی که وظیفه مراقبت و نگهداری بر دیگران را دارند، نیست و مقنن مسئولیت ناشی از فعل غیر را بر مبنای حمایت از زیان دیده و مواظبت و یاری‌رساندن به وی اندیشیده است و نه تقصیر سرپرست؛ زیرا که بر اساس ماده ۱۲۱۶ سرپرست باید خسارت ناشی از تقصیر خود را بپردازد و نه تقصیر دیگری را. در اینجا مقنن تئوری نمایندگی سرپرست از محجور را پیش‌بینی کرده است که بر اساس آن سرپرست زیان وارده را جبران می‌کند و پس از آن به عامل زیان مراجعه می‌کند. در مورد کودک غیر ممیز و مجنون، اگر خسارتی وارد کنند منسوب به سرپرستان آن‌هاست و ناشی از تقصیر در نگهداری و مواظبت از کودک است و عرف هم خسارت را به سرپرستان آن‌ها منسوب می‌کند. بر اساس موجبات ضمان می‌توان گفت والدین کودک سبب اقوی از مباشری هستند که ضرر وارده به آن‌ها منتسب شده است و اگر نخواهیم به مفاد تئوری تقصیر که ایجاد ضمان می‌کند پایبند باشیم می‌توان گفت بر اساس مواد ۳۰۷ و ۳۲۸ از قانون مدنی خسارت وارده از جانب صغیر غیر ممیز و مجنون منتسب به سرپرست آن‌هاست و این افراد حکم وسیله دارند و والدین مسئولیت شخصی و نه ناشی از فعل غیر دارند و به‌علاوه خسارت هم قابلیت استناد عرفی به آن‌ها را دارد و ضرر وارده را به آن‌ها منسوب می‌کند. پس مفاد مواد ۱۲۱۶ ق.م.م با ماده ۷ ق.م.م منافاتی ندارد و ماده ۱۲۱۶ درجایی است که سرپرست تقصیری ندارد و جبران از مال خود صغیر انجام می‌شود. ولی در ماده ۷ ق.م.م بحث تقصیر سرپرستان یا همان قابلیت استناد عرفی مطرح است و مسئولیت شخصی است. در بحث صغیر ممیز که فعل کودک موجب زیان شده است، خودسرپرست مسئول است و مقنن به جهت در نظر گرفتن مصلحت اجتماعی و این امر که خسارت جبران نشده باقی نماند سرپرست را مسئول دانسته است.

در حقوق انگلیس بحثی از رجوع یا عدم رجوع سرپرست به فرزند نشده است، چون شرط اساسی و اصلی مسئولیت، تقصیر سرپرست است البته در شرایط خاص مسئولیت بدون تقصیر هم به‌عنوان استثنا پذیرفته شده است (William, 1964: 13)؛ بنابراین اگر سرپرست مقصر باشد از اموال خود خسارت وارده را جبران می‌کند و اگر کودک و صغیر زیر ۱۸ سال مقصر بود از اموال وی جبران خسارت می‌گردد و همچنین به تفکیک صغار به ممیز و غیر ممیز نپرداخته است (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۲). در قضیه گورلی علیه کود رأی داده شد که خوانده یک پسر ۱۶ ساله به جهت تقصیر در به‌کارگیری تفنگ بادی و ورود زیان به

حکم قاضی دادگاه اطفال به یک نهاد تخصصی سپرده شد؛ اما تلاش‌های بسیار برای حفظ او در نهاد به جایی نرسید و وی به هنگام ارتکاب این عمل، با مادرش زندگی می‌کرد هرچند که نهاد مذکور او را تحت نظر داشت. دادگاه پژوهش نوجوان و همچنین مادرش را به علت تقصیر وی در مراقبت، محکوم به جبران خسارت کرد اما نهاد بازپروری او را مقصر ندانست. در واقع زیان‌دیده ثابت کرد که مادر در نگهداری فرزند در مدتی که نزد وی بوده است، تقصیر کرده و مادر مسئول پرداخت خسارت است؛ بنابراین در حقوق انگلیس، مبنا شرط تقصیر می‌باشد، اما نحوه انتساب تقصیر در هر پرونده متفاوت است (Dick, Esmith, 1998: 18). نکته مهم اینکه معنای سبب این نیست که به‌طور مطلق از عدم سبب عدم مسبب حاصل شود، به‌طوری‌که حتی شامل معذات نیز باشد؛ بلکه عنوان سبب اقتضا می‌کند که همواره در نظر عرف از چنان قدرتی برخوردار باشد که بین خود و ضرر، رابطه و نسبت موردنظر را برقرار کند. پس اگر کسی با یک کارد حیوانی را به قتل رساند سازنده آلت مسئولیتی ندارد. در بحث تسبیب نیز تفاوتی بین عمد و غیر عمد نسبت به ایراد ضرر وجود ندارد، لذا در تسبیب نیز تنها انتساب فعل به سبب جهت ضمان کافی است (ره پیک، ۱۳۹۲: ۱۷۱). همچنین در تسبیب عنصر تقصیر و بی‌احتیاطی وجود دارد و منظور از بی‌احتیاطی این است که شخص به عواقب عرفی و منطقی که بر عمل یا ترک آن ممکن است مترتب شود، بی‌توجه باشد. پس تقصیر صرفاً یک عنصر ذهنی نیست، بلکه یک رفتار خارجی است که به‌طور غیرمعقول خطری را ایجاد می‌کند که منجر به ضرر غیر می‌شود؛ بنابراین در صورتی که سبب مرتکب تقصیر و بی‌احتیاطی نشده باشد ضامن نیست. بدیهی است بی‌احتیاطی در غیر مواردی که از طرف قانون یا منبع دیگری مانند قرارداد تعریف و ضابطه مشخصی برای آن تعیین نشده باشد بر اساس عرف تعیین و احراز می‌گردد. به‌طور کلی در شرایط تحقق مسئولیت مدنی وجود رابطه سببیت بین ضرر و فعل لازم دانسته شده است و ملاک این امر رابطه عرفی می‌باشد. در مورد تسبیب این سؤال مطرح می‌شود که آیا تقصیر چیزی جدا و مستقل از رابطه سببیت است یا خیر؟ اینجا صاحب جواهر در تعریف سبب می‌گوید: لعل المحصل منهما الضمان علی وجه يجعل ضابطاً هو ایجاد ما یصلح ان یقصد حصول التلف به فی بعض الاحیان ولو به‌واسطه غیره معه سوا کان له مدخلیه فی علیه العله کالحفر او فی وجودها کالغرور و الاکراه (نجفی، ۱۳۶۵: ۴۶). می‌بینیم که عنوان تقصیر در این تعریف لحاظ نشده است و برعکس به مسئله استناد و انتساب عرفی، اشاره شده است. لذا از نظر

آن صورت وجود رابطه مستقیم مادی میان عمل وی و تحقق ضرر کفایت می‌کند، اما مقنن کارفرما را مسئول خطای کارگر دانسته، زیرا این انتخاب جبران زیان را تسهیل می‌کند (احمدوند، ۱۳۸۴: ۳۸).

۲. مبانی مسئولیت نیابتی در فرض عدم امکان

رجوع

مواردی از مسئولیت ناشی از فعل غیر وجود دارد که در آن پس از پرداخت خسارت توسط غیر، وی حق رجوع به شخصی که زیان توسط وی وارد شده را ندارد. برای مثال در رابطه کارگر و کارفرما در صورتی که خسارت صرفاً ناشی از خطای کارفرما باشد، خودش مسئول ورود زیان و جبران آن است، گرچه آن خطای تشکیلاتی وارده را کارگر مرتکب شده باشد. در چنین مواردی کارگر صرفاً ابزار و اندام تشکیلات کارفرما در وقوع ضرر تلقی می‌شود؛ زیرا عرف تشکیلات، کارگر را سبب قوی‌تر و عامل زیان می‌شناسد. در این صورت کارفرما پس از جبران خسارت حق مراجعه به کارگر را نخواهد داشت. چنان‌که گفته‌اند اصولاً در حقوق ایران مبنا تقصیر با تحلیل خاصی (تقصیری که رابطه سببیت را احراز کند) مبنا مهمی برای مسئولیت تلقی می‌شود. قانون مدنی با بیان قاعده تسبیب مواد ۳۳۱-۳۳۴ مسائل زیادی را توجیه می‌کند (ره پیک، ۱۳۹۲: ۱۸). در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران مبنا تقصیر پذیرفته شده است. در ماده ۱۲ ق.م.م ایران مسئولیت کارفرما بر مبنا فرض تقصیر قرار گرفته است. همچنین در مورد مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، ماده ۱۱ قانون اخیر، دولت را مسئول جبران خسارتی می‌داند که مستند به عمد یا تقصیر کارکنان نباشد. این مسئولیت نیز عینی می‌باشد. در مورد قاضی نیز در حقوق ما احکام مشابهی وجود دارد. در صورتی که قاضی به‌واسطه اشتباه موجب ورود خسارت به غیر گردد، چنانچه در اشتباه خود مقصر نباشد جبران خسارت از بودجه عمومی تأمین خواهد شد در غیر این صورت شخصاً ضامن است (همان: ۵۱). اگرچه سببیت و تسبیب در مفهوم عمومی، معنای مشابهی دارند اما قاعده تسبیب در معنای خاص در مقابل قاعده اتلاف قرار می‌گیرد. در این معنا به بیان ساده، تسبیب برخلاف اتلاف به ورود خسارت به‌صورت غیرمستقیم اشاره دارد. برخی از دادگاه‌های کامن‌لا نیز قواعد مشابهی ارائه کرده‌اند. به این معنا که اگر حادثه حتی بدون عمل خوانده نیز واقع می‌شد، نمی‌توان رفتار او را سبب تلقی کرد. در حقوق انگلیس در پرونده‌ای یک نوجوان ۱۶ ساله برای ارتکاب سرقت در یک مکان، آنجا را به آتش کشید و نگهداری از این نوجوان بر اساس

ضعف آن‌ها را یادآور شدیم. عدم جامعیت تئوری‌ها در تمام مصادیقی که به‌عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر شناخته می‌شود، مورد بررسی قرار گرفت. برای یافتن مبنای مسئولیت ناشی از فعل غیر ابتدا باید متوجه این نکته باشیم که این نوع مسئولیت، استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت نمی‌باشد. وانگهی برای یافتن مبنا باید بین دو فرض امکان رجوع جبران‌کننده خسارت به شخصی که زیان از فعل او ناشی شده و عدم امکان رجوع به این شخص قائل به تفکیک شد. در این دو حالت مقنن در ایجاد مسئولیت، نقش و شدتی که تقصیر در ارتکاب فعل زیان‌بار داشته را مورد توجه قرار داده است و همین نقش موجب دو حکم متفاوت در جایی شده که تقصیری اتفاق افتاده و ضرری به بار آمده است. در حالتی که شخص، جبران خسارت فعل زیان‌بار دیگری را متحمل می‌شود و سپس حق مراجعه به وی را دارد، مبنای مسئولیتش نقض وظیفه مراقبتی یا کنترلی است که به‌موجب قانون یا قرارداد به عهده وی بوده است؛ بنابراین صرف نقض، چون منجر به ورود زیان نشده، برای جبران‌کننده حق رجوع به عامل زیان را محفوظ نگه می‌دارد. در مواردی هم که برای جبران‌کننده حق رجوع وجود ندارد، مبنای مسئولیت ناشی از فعل غیر، قابلیت استناد عرفی فعل زیان‌بار به شخص می‌باشد و در واقع همین قابلیت استناد است که سبب ورود زیان و موجب ضمان شده و شخص را در قبال دیگری مسئول می‌سازد. طبق این نظریه که برگزیده نگارنده می‌باشد، مبنای مسئولیت شخص به جبران ضرر وارده به دیگری به دلیل استناد فعل زیان‌بار به او می‌باشد؛ زیرا اصل شخصی بودن مسئولیت، اصلی مسلم، عقلایی و عرفی است. همچنین اقدام به فعل زیان‌بار برای مسبب زیان مسئولیت آور است و صرف انتساب عرفی ضرر به عامل زیان برای مسئولیت کافی است و هر جا هم بحث از تقصیر می‌شود صرفاً برای احراز رابطه سببیت است؛ زیرا اگر رابطه سببیت معلوم باشد، بحث از تقصیر و عدم تقصیر مطرح نمی‌گردد؛ بنابراین در مسئولیت نیابتی نیز هرچند کسی همانند صغیر و کارگر، مرتکب فعل زیان‌بار می‌شوند ولی از تقصیر در نگهداری و مراقبت کارفرما و والدین می‌توان فعل زیان‌بار را عرفاً به آن‌ها منسوب کرد. همچنین در مورد کارمند دولت چنانچه تقصیری را مرتکب شده و فعل زیان‌بار منتسب به او باشد، خودش مسئول است و در غیر این صورت دولت مسئول است؛ زیرا دولت با اعطای قدرت و پست سازمانی به افراد باید بر آن‌ها نظارت داشته باشد و کارمند هم با قرار گرفتن در آن پست موجبات ورود ضرر به دیگری را فراهم آورده است. در نتیجه مطابق

ظاهری نیز می‌توان تقصیر را مصحح انتساب و استناد دانست و تنها استناد و انتساب را شرط قرار داد. پس به نظر می‌رسد که مبنای این دو قاعده مشترک باشد و اختلاف آن‌ها از جهت اختلاف مصادیق و تعدد افراد باشد. در این میان به نظر می‌رسد که باید قاعده اصلی را تسبیب بدانیم، زیرا به‌رحال واسطه یا واسطه‌هایی در ورود خسارت دخالت دارند و شدت و ضعف آن‌ها مصادیق اتلاف و تسبیب اصطلاحی را می‌سازد. پس در تمام موارد علاوه بر ضرر و عمل لازم است انتساب و رابطه عرفی بین این دو احراز شود. حال گاهی برای صحت انتساب باید تقصیر اثبات شود و گاه خیر. بحث مباشر و سبب به‌خوبی جایگاه رابطه عرفی سببیت را نشان می‌دهد؛ زیرا حتی بر اساس نص صریح قانون مسئول کسی است که رابطه او با خسارت قوی‌تر باشد. پس اتلاف و تسبیب تفاوت مبنایی ندارند و هر دو از قاعده کلی در مسئولیت مدنی پیروی می‌کنند و ارکان این مسئولیت در هر دو وجود دارد. همچنین تقصیر نمی‌تواند مبنای جداگانه‌ای برای مسئولیت باشد، بلکه چنانچه اشاره کردیم اگر تقصیر منجر به ورود زیان شود، از طریق قابلیت استناد عرفی یا به بیان روشن‌تر به‌موجب تسبیب شخص را ضامن می‌سازد. پس احراز تقصیر به‌طور مستقل لازم نیست. قانون مجازات اسلامی نیز با دقت بیشتری به این مسئله توجه کرده و تقصیری را موجب مسئولیت دانسته که از طریق آن، بتوان انتساب و استناد را احراز کرد و صرف تقصیر به‌طور مستقل و بدون آنکه موجبی برای استناد تلقی شود در ایجاد مسئولیت تأثیری ندارد چنانچه در ماده ۵۲۹ آمده است: در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید. لذا این نظریه که تقصیر تنها در ضمن رابطه سببیت معنا دارد و نه به‌طور مستقل صریحاً در قانون مجازات پذیرفته شده است. در نتیجه در مواردی که شخص مسئول فعل دیگری در جبران زیان وارده قرار می‌گیرد و پس از آن حق مراجعه به وی را ندارد، تقصیر او موجب ایجاد مسئولیتش با مفهومی که در بالا توضیح دادیم - عنصری که رابطه سببیت را می‌سازد - می‌گردد و در اینجا به روشن می‌گردد که مسئولیت ناشی از فعل غیر استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت نمی‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

حقوق‌دانان در ارتباط با مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و هم انگلیس مبنای مربوط به این نوع مسئولیت را ارائه داده‌اند که در نوشتار حاضر به بررسی آن‌ها پرداختیم و نقاط

سرپرست محافظ صغیر یا مجنون)». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*. شماره ۳۶.

ره پیک، حسن (۱۳۹۲). *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*. چاپ بیست و یکم. تهران: انتشارات خرسندی.

ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵). *اصول مسئولیت مدنی*. ترجمه مجید ادیب. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.

_____ (۱۳۸۶). *تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی*. ترجمه مجید ادیب. تهران: نشر میزان.

سبحانی، حسین؛ امیرحسینی، امین (۱۳۹۶). «مسئولیت مدنی سرپرست در قبال بزهکاری اطفال در نظام حقوقی ایران». *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*. شماره ۲۶.

سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله (۱۳۸۰). *خسارت معنوی*. تهران: انتشارات نورالثقلین.

صالحی‌راد، محمد (۱۳۷۷). «تعهد ایمنی و بررسی تحول آن در قرارداد حمل‌ونقل در حقوق فرانسه». *مجله دیدگاه‌های حقوقی*. شماره ۱۲.

صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۰). *العروه الوثقی*. المجلد الثاني. الطبعه الثانيه. بیروت لبنان: منشورات موسسه العلمی للمطبوعات.

قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۷۸). *مبانی مسئولیت مدنی*. تهران: نشر دادگستر.

قربانی، مریم (۱۳۹۲). «مبانی مسئولیت مدنی نیابتی». *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد*. دانشکده حقوق دانشگاه قم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد*. جلد دوم. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۸۴). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)*. چاپ هشتم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

_____ (۱۳۸۶). *الزام‌های خارج از قرارداد*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کریمی تازه‌کند، شهرام و دیگران (۱۳۹۶). «مبنا و حدود مسئولیت مدنی پیمانکار». *مجله پژوهش‌های حقوقی*. شماره ۳۲.

کیانی، زینب (۱۳۸۹). «مبانی و قواعد مشترک مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم اداری و اقتصاد.

نظریه استناد عرفی، برای شناسایی مسئول ورود خسارت، باید دید از منظر عرف، خسارت به او قابل استناد است یا خیر؟ مثلاً چنانچه از تقصیر در مواظبت و نگهداری از طفل، عرفاً خسارت منتسب به والدین باشد یا از تقصیر کارفرما، مسئولیت عرفاً به او منتسب شود، اینجا مسئولیت نیابتی مطرح می‌گردد. به این دلیل که والدین و کارفرما مسئول فعل خویش هستند و چنانچه این افراد مرتکب تقصیر به مفهومی که رابطه سببیت عرفی را بسازد، نشوند، صرفاً به دلیل نقض وظیفه مراقبتی ممکن است مسئولیت اولیه در جبران خسارت و سپس حق رجوع به عامل زیان را داشته باشند.

منابع

احمدوند، ولی‌الله (۱۳۸۴). «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی کارفرما در سیستم حقوقی ایران و انگلیس». *مجله دانشکده علوم انسانی*. سال چهاردهم. شماره ۶۱.

امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). *حقوق تعهدات*. جلد ۱. تهران: نشر میزان.

بابایی، ایرج (۱۳۸۰). «مبنای مسئولیت کارفرمایان در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی». *مجله پژوهش حقوق و سیاست*. شماره ۵.

بهرامی‌احمدی، حمید (۱۳۹۰). «تحول جهانی مبنای مسئولیت مدنی به سوی مبنای نفی ضرر». *فصلنامه حقوق (مطالعات حقوقی خصوصی دانشگاه تهران)*. دوره ۴۱. شماره ۲.

بهنام، علی (۱۳۸۵). «مبانی مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر». *مجله حقوقی گواه*. شماره ۶ و ۷.

پرون، بهروز (۱۳۹۷). «مسئولیت مدنی سرپرست صغار و مجانبین». *مجله قانون یار*. سال دوم. شماره ۷.

جعفریان، اعظم (۱۳۹۰). «مسئولیت مدنی سرپرست محجورین در حقوق ایران و انگلیس». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه قم: دانشکده حقوق.

خادم رضوی، قاسم، نوعی، الیاس (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان». *مجله آموزه‌های حقوقی گواه*. شماره ۱.

داراب پور، مهرباب (۱۳۹۰). *مسئولیت خارج از قرارداد (پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات)*. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد.

درودیان، حسنی (۱۳۷۶). «مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند (مسئولیت

- Giliker, Paula (2010). *Vicarious Liability in Tort a Comparative Perspective*, Cambridge University Press. First published.
- Hale Kenneth (2013). *Are parents liable for the acts of their children?* Cambridge property and casualty. Retrieved from: <http://cambridgeunderwriters.com>.
- Harpwood, Vivienne (2003). *Modern tort law*. Great Britain: Cavendish Publishing. Fifth Ed.
- Law case; *Cassidy v Ministry of Health* (1951). Available on: <https://www.lawteacher.net/cases/cassidy-v-moh.php>.
- Le Tourneau, phillip (2006). *Droit de la responsabilite ET des contract*. Dalloz. 6th ed.
- Markensinis & deakins (2019). *tort law*, UKD: oxford, 8th ed
- Martin-Casals, Miquel (2006). *Tort and Insurance law*. Vol. 23. Children in tort law. Part I: Children as Tortfeasors. NEW YORK: Springer Vienna.
- Ph. Delebecque (1997). la dispersion des obligations de securite dans les contracts speciaux, Gaz.Pal.
- Prosser William L. (1964). *the law of torts*. U.S.A: West Publishing co.
- محسنی، حسن؛ مرادی‌نژاد، رضا (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی». فصلنامه حقوق (مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران). دوره ۴۰. شماره ۱.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*. جلد ۳۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نظری، ایراندخت (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی مالک*. تهران: انتشارات جنگل.
- هاشمی، سید علی احمد (۱۳۹۵). «مقایسه تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه». دو فصلنامه شهر قانون. شماره ۱۸.
- یاوری، مصطفی (۱۳۸۹). «مسئولیت مدنی والدین در قبال فرزند دارای اختلال ذهنی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. دانشکده حقوق.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق ایران و فرانسه». فصلنامه حقوق و مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۴.
- _____ (۱۳۹۱). «نظریه عمومی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق فرانسه و طرح آن در حقوق ایران». مجله حقوقی دادگستری. شماره ۷۷.
- _____ (۱۳۹۵). *قواعد عمومی مسئولیت مدنی*. جلد سوم. تهران: انتشارات میزان.